



حجاب یک پدیده ساده و تغییر پوشش نیست، تغییر بسیاری از چیزها است که یکی از نمادهای آن حجاب است. من ۱۰-۱۵ سال پیش، سفری به جنوب تایلند داشتم. جنوب تایلند منطقه‌ای است که مسلمانان در آنجا متمرکز هستند. اکثریت مسلمانان تایلندی سنی هستند هر چند که اسلام در تایلند ابتدا توسط شیعیان معرفی شده است. از آنجا که تمام قدرت سیاسی تایلند در اختیار شیخ احمد قرار می‌گیرد. شیخ احمد اولین شیخ‌الاسلام تایلند بوده و اولین مساجد را در تایلند تأسیس کرده است. اما امروز اکثریت مسلمانان تایلند غیر شیعه هستند و از حدود ۷۵۰۷۵ میلیون جمعیت تایلند، طبق آمارهای رسمی، ۲۳ میلیون مسلمان هستند ولی در واقع جمعیت مسلمانان متمرکز در جنوب تایلند بالای ۱۰ میلیون نفر است. ۱۰-۱۵ سال قبل اولین بار بود که به تایلند می‌رفتم. تا حالا چندین بار به آنجا سفر کرده‌ام. تایلند کشوری است که خصوصاً از نظر فساد معروف است. البته خیلی از آن چیزها که گفته می‌شود صحت ندارد، ولی به هر حال یک سری مسائل هست. با آن‌که تایلند را کشوری بودایی است، ما زنان محجبه زیادی را می‌دیدیم. حتی بچه‌های کوچک، بچه‌های ۴-۵ ساله را می‌دیدیم که همه محجبه از دبستان‌ها خارج می‌شدند. وقتی در منطقه جنوب، از جاده عبور می‌کردیم هنگام تعطیلی مدرسه با صف‌های طولانی دختر بچه‌های دبستانی رو به رو می‌شدیم. یکی از دوستان جدید شیعه ما در آنجا می‌گفت «اگر شما هر جایی از این منطقه نشانی از حجاب می‌بینید به خاطر انقلاب اسلامی ایران است، قبل از انقلاب هیچ اثری از حجاب هیچ‌جا نبود؛ حتی بین اهل سنت در حال حاضر، بسیاری از کشورهای جهان به خصوص جوانان آنها اشتیاق زیادی دارند تا با اسلام عمیق‌تر و عالمانه آشنا شوند. امروز، مراکز آموزش اسلامی چه به صورت حوزه‌ها، چه به صورت دانشگاه‌ها، در سراسر دنیا

لطفاً بفرمایید بیداری اسلامی چیست؟ شما چگونه تعریفی نظری و مفهومی از بیداری اسلامی به مثابه یک تحول اجتماعی ارائه می‌کنید؟

اصطلاح بیداری اسلامی را برخی از متفکران مسلمان برای جهان اسلام به کار بردند و مقصود آنها از بیداری اسلامی بازسازی تمدن اسلامی و یافتن جایگاه شایسته جهان اسلام در جغرافیای سیاسی-اجتماعی-فرهنگی جهان معاصر است. البته گاهی اوقات، ما می‌توانیم فراتر از این سخن بگوییم، یعنی توجهی که جهان امروز به اسلام پیدا کرده، بسیار بسیار فراتر از دایره خاص جهان اسلام است. اصطلاح «بیداری اسلامی» ۳۰ سال قبل از سوی اندیشمندان مسلمان مطرح شد. فرض کنید از شمال آفریقا تا خاور دور، مسلمانان در حال بیدار شدن هستند و بیداری اسلامی در حال شکل‌گیری است. این اصطلاح همان‌طور که عرض کردم در دایره مسلمانان مطرح بود و انقلاب اسلامی نقطه عطفی شد در جهانی شدن بیداری اسلامی و باعث شد که بسیاری از مسلمانان بلکه شاید همه مسلمانان، توجه ویژه‌ای نسبت به اسلام پیدا کنند، که آثارش را در کشورهای مختلف و در ابعاد مختلف در طول سال‌های پس از انقلاب شاهد بودیم.

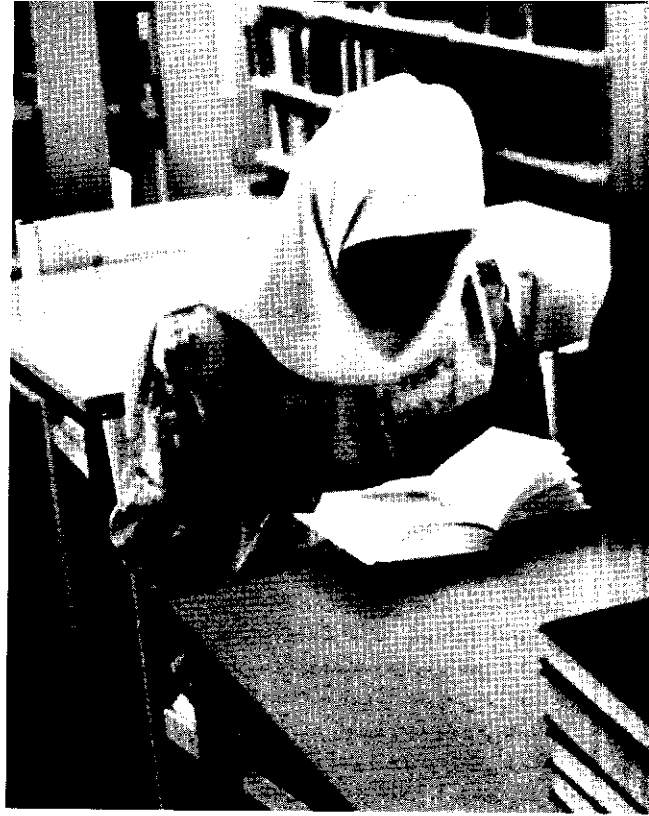
لطفاً به مصادیق این موضوع اشاره بفرمایید. یکی از نمادهای بیداری اسلامی در جهان، حجاب بود. ممکن است در ابتدا به نظر برسد که این امر یک مسأله ساده‌ای است، مثلاً خانمی یک پوشش خاص را انتخاب می‌کند. اما در واقع، پوشش نمادی از یک تغییر و تحول بسیار عمیق فرهنگی، فکری و اجتماعی است و اگر ما می‌بینیم که کشورهای غربی در مقابل این مسأله موضع‌گیری و مخالفت می‌کنند - با همه هزینه‌هایی که در این زمینه می‌پردازند - به خاطر این است که اینها ابعاد این مسأله را امروز درک می‌کنند که بازگشت به

## نبض تفکر و فرهنگ را به دست می‌گیریم

### گفت‌وگویی با استاد مهدی هادوی

در جهان معاصر بیداری اسلامی واقعیتی مسلم است که ابعاد گوناگونی دارد. حجت‌الاسلام هادوی در مصاحبه خود به برخی از این ابعاد اشاره می‌کند و گرایش مسلمانان به تشکیل حکومت اسلامی را اوج این جریان می‌داند.





تقریباً صد سال پیش زندگی می‌کرد یکی، دو سال قبل از مرگش، طی سخنرانی در جشن تولد خود اعلام می‌کند که دیگر دوران دین به سر آمده و نباید توقع داشت که دین مشکلی را حل کند. این حرف‌ها در غرب زیاد بود. نیچه نیز از مرگ خدا می‌گفت و این که دوران معنویت در غرب تمام شده است. بعد همین انسانی که ادعا می‌کرد نیازی به دین ندارد، هر چه جلوتر رفت احساس کرد که نیازش به دین بیشتر شده است. در واقع، انسان معاصر کمبودی جدی را از لحاظ دین احساس می‌کرد. در همین دوران احساس کمبود بود که توجه دوباره‌ای به دین معطوف شد. در این بین کشورهای اسلامی و پیشگامان اندیشه اسلامی با توجه به فضای تازه‌ای که پدید آمده بود در کشورهای مختلف دست به فعالیت‌هایی زدند. آن زمان، هنوز کسی از وقوع حادثه‌ای که در راه بود خبر نداشت و فقط تیزبینان قادر به پیش‌بینی آینده بودند. بخش مهمی از این فعالیت‌ها در ایران و توسط اندیشمندان و متفکران مسلمان حوزوی و دانشگاهی شکل گرفت. این افکار و اندیشه‌ها در کشورهای مختلف نیز زمینه‌هایی داشت. به عنوان مثال در بعضی کشورهای پیشرفته‌تر اسلامی مثل مصر و الجزایر نمونه‌هایی از این حرکت آغاز شد. در بعضی کشورهای دیگر مانند مالزی بعدها نوعی از این بحث‌ها شکل گرفت. این تحولات باعث شد بشر به خصوص مسلمانان دوباره به دین توجه کنند. به تدریج، در جهان اسلام در اثر توجه به شاخص‌های اسلام به عنوان یک دین کامل که همه ابعاد انسان را مورد توجه قرار می‌دهد یک بیداری دینی شکل گرفت و در میان مسلمانان این احساس پیدا شد که ما یک گوهری در دست داریم اما از این گوهر بی‌خبریم. بعد از حوادثی که در جنگ جهانی دوم شکل گرفت و دوقطبی شدن جهان، دیگر هیچ جایگاهی برای اسلام باقی نماند. هر دو قطب در مخالفت با اسلام توافق داشتند. مسلمانان در این فضای دوقطبی احساس کردند که هویت اسلامی‌شان در خطر است. از یک سو، احساس نیاز بشر به معنویت و دین، و از سوی دیگر فعالیت‌های روشنفکران، اندیشمندان و عالمان دینی و مطرح شدن بعضی از ویژگی‌های مهم اسلام، دست به دست هم دادند و به تدریج، در جهان اسلام با پیشگامی فرهیختگان جریان بیداری اسلامی شکل گرفت. این جریان باعث توجه مجدد به ارزش‌ها و مفاهیم اسلامی شد و مسلمانان پی بردند که باید به دنبال جایگاه واقعی خود در دنیا باشند. انقلاب اسلامی و به تعبیر امام (ره) انفجار نور به جریان اسلام‌گرایی که به کندی در حال شکل‌گیری بود شتاب بسیار عجیبی بخشید. پس از انقلاب اسلامی ایران راه‌های چند دهه یا بلکه راه‌های چند سده طی چند سال طی شد و ما همچنان شاهد افزایش این شتاب هستیم. امروز کمتر مسلمانی را می‌توان یافت که نسبت به هویت خود اهتمام نرزد یا نسبت به اسلام به عنوان بخش مهمی از زندگی خود توجهی نداشته باشد. حتی در غیرمسلمانان هم اسلام شناخته شده است. چندی پیش، طی سفری به انگلستان، در مسیری که سوار قطار بودم، دختر بچه هفت ساله انگلیسی که کنار من نشسته بود، به من گفت: «شما مسلمان هستید؟» گفتم: «تو از کجا می‌دانی؟» گفت: «این لباسی که شما پوشیدید برای علمای اسلامی است.» بچه هفت ساله انگلیسی غیرمسلمان هم امروز می‌داند که این لباس، لباس علمای اسلامی است. معنای این امر آن است که مفاهیم و ارزش‌های اسلامی دیگر از مرزهای مسلمانان گذشته است. اگر ما امروز می‌بینیم که عده‌ای به طور عمدی به برخی از ارزش‌ها و مقدسات حمله می‌کنند - مثل قضیه دانمارک - برای این است که امروز غیرمسلمان‌ها در مقابل اسلام احساس خطر می‌کنند، یعنی اسلام با یک روال منطقی در حال توسعه است و آنها به روش منطقی نمی‌توانند جلوی این پیشرفت را بگیرند. اسلام به هر کجا رسیده و منطق آن مطرح شده غیرمسلمانان در مقابلش خلع سلاح شده‌اند. سال ۲۰۰۳ در پارلمان جهانی ادیان بارسلونای اسپانیا وقتی یکی از بزرگترین شخصیت‌های فرهنگی اسپانیا می‌خواست آقای طارق رمضان را که یک فیلسوف مسلمان بود معرفی کند چنین گفت: «ما امروز می‌خواهیم به سخنان کسی گوش دهیم که همگی به هدایت‌ها و آموزش‌های او نیازمندیم.» طارق رمضان اصالتاً مصری، متولد سوئیس و مقیم فرانسه بود و دفتر فعالیتش هم در فرانسه بود. آن روز آقای طارق رمضان راجع به آزادی سخنرانی کرد. به اعتماد من، سخنرانی او ترجمه سخنرانی مقام معظم رهبری در مورد آزادی بود. دقیقاً ایشان همان مطالب را اما به زبان انگلیسی بیان می‌کرد. او هیچ ارجاعی به

یکی از مراکز مورد توجه جوانان است و این امر در کشورهای اسلامی، در حال توسعه است. در خاور دور هم مراکز آموزش اسلامی پررونقی حتی در روستاها تأسیس شده و جوانان بسیاری اعم از پسر و دختر در آنجا تحقیق می‌کنند. این امر نشان می‌دهد که اسلام برای مسلمان‌ها اهمیت یافته است، اسلامی که در دوره‌ای، بسیاری از گروه‌نگاران آن، حتی در خود ایران دین را مخفی می‌کردند. اگر کسی می‌خواست در دانشگاه نماز بخواند، پنهانی نماز می‌خواند که مبادا دیگران بفهمند و به او بگویند فاناتیک، مرتجع و از این قبیل اصطلاحاتی که در گذشته به کار می‌بردند. بعد از جنبش بیداری اسلامی ما شاهدیم که مسلمانان به اسلام توجه پیدا کرده و به دنبال درک آن هستند. در حال حاضر مسلمانان به دین خود افتخار می‌کنند. این افتخار نشانی از بیداری اسلامی دارد که در جهان احیا شده است. یکی از نمادهای این بیداری اسلامی، توجه به معیارهای اجتماعی و سیاسی اسلام است. یعنی اکنون، بحث‌های اسلام از حوزه مباحث عقیدتی یا رفتارهای فردی خارج شده و بحث رفتارهای اجتماعی، بحث حکومت از دیدگاه اسلام پدید آمده است به نحوی که گرایش وسیعی به تشکیل حکومت‌های اسلامی در جهان پدیدار و جنبش‌های متعددی برپا شده است. الان در مراکش شاهد جنبش حرکت عدل و احسان هستیم. آقای عبدالسلام یاسین با الهام گرفتن از امام خمینی (ره)، جمع زیادی از روشنفکران و تحصیل‌کردگان مراکش را گرد آورده است. او سالهاست سازمانی را تحت عنوان «جماعت عدل و احسان» سازمان‌دهی کرده است. هدف این سازمان دستیابی به حکومت اسلامی، شبیه به حکومت ایران است. جریانات و جنبش‌های مشابه و متعددی در سایر کشورهای جهان مانند ترکیه و حتی آفریقای سیاه وجود دارد. در نیجریه آقای زاک زاکی در پی تشکیل حکومتی اسلامی است که البته تحت همین فشارها، دولت نیجریه طرحی را تحت عنوان طرح شریعت مطرح کرد و در بعضی مناطق که اکثریت آنان مسلمان هستند، قانون شریعت و قوانین اسلامی را معیار قوانین حکومتی قرار داده‌اند. به هر حال، نمونه‌های بیداری اسلامی در جهان معاصر به اشکال مختلف بسیار است و این فهرست را می‌توان همچنان توسعه داد.

**فکر می‌کنید علل بیدایش و ظهور جنبش بیداری اسلامی در دنیای اسلام و به طور کلی در دنیا چیست؟**

این که مسلمانان چگونه به این بیداری رسیدند، عوامل متعددی را در بر می‌گیرد. می‌توانم بگویم عاملی به عنوان عامل جهانی وجود داشت و آن این بود که بشر قرن نوزدهم میلادی که در اثر دستاوردهای علمی مغرور شده بود و فکر می‌کرد که می‌تواند با دانش خود به همه چیز دست پیدا کند، در قرن بیستم با سرعت بسیار زیادی، به دنبال رهایی از دین بود و اعلام کرد که دیگر دوران دین به سر آمده است. من بارها این داستان را گفته‌ام برتراند راسل که

**اگر امروز به اسلام و مسلمانان حمله می‌شود به این خاطر است که دشمنان ما احساس می‌کنند نمی‌توانند به طور منطقی با آن مقابله کنند به همین دلیل با ایجاد یک سری حساسیت‌های بسیار جاهلی و در واقع بدوی و قرون وسطایی سعی می‌کنند دوباره جلوی رشد اسلام را بگیرند**



تقاضای این کتابها افزایش یافته بوده است که مسزول آنها در همه کتاب فروشی‌های ایران به دنبال کتابهای انگلیسی، فرانسه، آلمانی و... بوده است تا با خود برای فروش به انگلیس برود! تقاضا برای کتابهای اسلامی به ویژه مکتب اهل بیت، در سالهای اخیر افزایش چشمگیر و بی سابقهای داشته است. اوایل انقلاب یک بار این مسأله مطرح شد ولی چون هنوز جهان ظرفیت پذیرش خیلی از ارزش‌های اسلامی را نداشت فقط در قشر خاصی تأثیر کرد؛ در قشر برجستهای که حساسیت‌شان خیلی بالا بود. در سالهای اخیر، بعد از اشغال عراق و بعد از اینکه جایگاه پیروان مکتب اهل بیت به واسطه تبلیغات رسانه‌ای کم کم مورد توجه مردم قرار گرفت و مرجعیت شیعه تأثیر خود را در صحنه عمل اجتماعی نشان داد، توجه به مکتب اهل بیت افزایش بیشتری پیدا کرد. در حال حاضر، ما با جنبش خاصی در این زمینه روبرو هستیم؛ یک تقاضای جهانی از سوی مسلمانان و غیرمسلمانان برای آشنایی بیشتر با اهل بیت که این نیز نماد یک بیداری نوین در جهان اسلام است. اکنون، مسلمانان از حد مفاهیم و ارزش‌های سنتی مذهبی خود در حال گذر هستند و دوباره در مسیر بازگشت به مفاهیم اصیل اسلامی و تاریخ صدر اسلام حرکت می‌کنند. یعنی امروز مسأله اصلی در جهان اسلام این است که اهل بیت کی هستند و چه جایگاهی داشتند؟

این یعنی بازگشت به ریشه‌های اولیه اسلام و صدر اسلام. در اجلاس بارسلونا بر خلاف سایر گروه‌ها و هیأت‌ها، هیأت ایرانی برنامه‌اش را مشخص نکرده بود. در حالی که همه گروه‌ها برنامه، زمان، مکان و شکل جلسه را از ماه‌ها قبل مشخص کرده بودند. آنها و دفترچه اجلاس که یک کتابچه مفصل ۴۰۰-۳۰۰ صفحه‌ای بود منتشر شده بود. آن اجلاس بزرگترین اجلاس تاریخ بود، اجلاسی بود که هم‌زمان با آن نزدیک به ۲۰-۱۹ جلسه با حضور ۵۰ هزار نفر تشکیل می‌شد. طبق آمار رسمی دست‌اندرکاران اجلاس، بیش از هشت هزار نفر از چهره‌های برجسته و معروف ادیان و مذاهب سراسر دنیا شرکت کرده بودند. پانزده دقیقه قبل از جلسه به ما برنامه را اعلام کردند. من تصور این بود که با توجه به تأخیری که پیش آمده کسی در جلسه شرکت نخواهد کرد ولی وقتی جلسه تشکیل شد سالن پر شد با این که آن سالن یکی از سالن‌های بزرگ اجلاس بود که در اختیار ما قرار داده بودند. و تمام جمعیت تا آخر ساعت ماندند؛ حتی تقاضای تمدید کردند. چند بار زمان جلسه تمدید شد. سؤال اصلی شرکت‌کنندگان این بود که واقعاً مکتب اهل بیت چیست؟ جایگاهش در جهان اسلام و تفکر اسلامی کجاست؟ بسیاری از این شرکت‌کنندگان که خواهان معرفی مکتب اهل بیت در جهان بودند مسلمانان نبودند.

**آینده جریان بیداری اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ بیداری متوجه چیست و مرحله بعد از این تحول اجتماعی چه خواهد بود؟**

به اعتقاد من این بیداری در حال توسعه است و هر چند این فرایند دشمنان زیادی دارد و تلاش‌های زیادی هم برای توقف یا انحرافش صورت می‌گیرد ولی باز همچنان توسعه پیدا خواهد کرد. تقریباً غرب به این نتیجه رسیده که نمی‌تواند جلوی گسترش تفکر اسلامی را بگیرد. به همین دلیل بیشتر تلاشش تغییر مسیر این جنبش است و تبدیل مفاهیم اسلامی به مفاهیم بی‌خطر برای دولت غربی. امروز در سطح رسانه‌ای غرب که خیلی به بعضی بحث‌ها بسیار دامن زده می‌شود، اما چون آنها به این نتیجه رسیده‌اند که این روش هم خیلی موثر نیست، کم کم در حال صف‌آرایی آشکار علیه اسلام هستند. ولی قبل از این که به این مرحله برسند بحث‌هایی مثل Euro-Islam و American Islam، اسلام اروپایی یا اسلام آمریکایی را مطرح کردند. وقتی سالهای قبل امام خمینی (ره)، بحث اسلام آمریکایی را مطرح کرد موضوع خیلی خیلی جدی بود. ولی بعدها در سطح رسانه‌های غرب، اسلام آمریکایی و اسلام اروپایی مطرح شد و هنوز هم مطرح است. منظور آنها از این اسلام، اسلامی است که برای غرب خطری ندارد و با غربی‌ها سازگار است حتی با ضداسلامی‌ترین مفاهیم و غربی‌ترین مفاهیم مثل هم‌جنس‌بازی هم می‌تواند سازگار باشد! غربی‌ها روی این قضیه خیلی مانور دادند. در کشورهای مختلف مثل آمریکا، هلند و... انجمن هم‌جنس‌بازان مسلمان را تشکیل دادند! الآن این افراد در هلند نشریه دارند و در واقع دنبال تحریف اسلام هستند، دنبال نشان دادن چهره دیگری از اسلام هستند. در روش دیگری، آنها سعی کردند بر

مقام معظم رهبری نمی‌داد و خودش هم شیعه نیست، ولی تمام سخنرانی‌اش چیزی نبود جز همان فرمایشات آقا. مورد دیگری در همان ایام برای خود من پیش آمد. آن زمان من در سمپوزیوم حقوق بشر در بارسلونا در حاشیه اجلاس پارلمانی ادیان شرکت کرده بودم. با این که جزو مدعوین اصلی نبودم بلافاصله دست‌اندرکاران اجلاس، فضایی را برای من فراهم کردند تا صحبت کنم. بعد در کمیسیون تخصصی حقوق بشر از دیدگاه اسلام نیز عملاً اداره کمیسیون را در اختیار ما قرار دادند. اگر امروز به اسلام و مسلمانان حمله می‌شود به این خاطر است که دشمنان ما احساس می‌کنند نمی‌توانند به طور منطقی با آن مقابله کنند به همین دلیل با ایجاد یک سری حساسیت‌های بسیار جاهلی و در واقع بدوی و قرون وسطایی سعی می‌کنند دوباره جلوی رشد اسلام را بگیرند! مثلاً از پیغمبر اسلام، کاریکاتور چاپ می‌کنند که باعث ناراحتی مسلمانان می‌شود. بعد که مسلمانان پرچم دانمارک را به نشانه خشم آتش می‌زنند، دانمارکی‌ها معترض می‌شوند که پرچم آنها نقش صلیب دارد و آنها هم برای گرفتن انتقام می‌خواهند قرآن آتش بزنند! آیا این منطقی است؟ آیا این واقعاً معیارهای جهان مدرن امروز است؟! اینها همان رفتارهای قرون وسطایی است که می‌خواهند جنگ‌های صلیبی قرون وسطایی را به راه بیندازند. عده‌ای را به عنوان حامیان صلیب یک طرف جمع کنند و در مقابل مسلمانان صف‌آرایی کنند. بسیاری از حرکت‌هایی که به نام مسلمانان صورت می‌گیرد توطئه‌هایی است برای اینکه چهره خاصی از اسلام را به جهان معرفی کنند. گروه‌های خلق‌الساعه‌ای در عراق گروگان می‌گیرند، افراد بی‌گناه را مثلاً یک راننده را گروگان می‌گیرند بعد با شعار... اکبر و با پرچم... اکبر سرش را می‌برند و بعد فیلمش را برای تمام رسانه‌های غربی پخش می‌کنند! کاملاً مشخص است که دست‌های پنهانی در کار است تا توانایی‌های منطقی اسلام را با این صحنه‌های احساسی مخدوش کند و به جهان معاصر امکان و فرصت توجه به ارزش‌ها و مفاهیم اسلامی را ندهد. البته علی‌رغم همه این تلاش‌ها، حساسیت مردم نسبت به اسلام روز به روز افزایش یافته و همین افزایش حساسیت، باعث شده که در جاهای مختلف، افراد بیشتر به دنبال اسلام بروند و وقتی کمی به اسلام نزدیک شدند متوجه شده‌اند که اسلام بسیار متفاوت از تبلیغاتی است که درباره آن انجام می‌شود و برای همین، بسیاری از آنان خیلی زود به اسلام گرویده‌اند. در واقع هر حرکتی علیه اسلام انجام شده در نهایت به نفع اسلام و توسعه تفکر اسلامی شده تمام شده است بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر، وزیر ارشاد سابق به من گفت که آمار رسمی نشان می‌دهد که پس از این واقعه، صد هزار نفر در سطح دنیا مسلمان شدند! که یقیناً آمار غیر رسمی صدها برابر این مقدار است چرا که خیلی‌ها که مسلمان می‌شوند به جایی اعلام نمی‌کنند. ایشان می‌گفت: «طی این دوران، قرآن پرفروش‌ترین کتاب جهان بوده است. حتی کتابهای موجود در انباری در انگلستان که از لحاظ کیفیت چاپ و ترجمه بسیار نامرغوب بوده و سالها در این انبار خاک می‌خورد، پس از واقعه ۱۱ سپتامبر همگی به فروش رفته است! به تعبیر ایشان انبار را جارو کردند! به قدری

**غیرمسلمان‌ها در مقابل احساس خطری می‌کنند، یعنی اسلام با یک روال منطقی در حال توسعه است و آنها به روش منطقی نمی‌توانند جلوی این پیشرفت را بگیرند**



تظاهرات علیه منع حجاب در انگلیس: «مسلمانان در بریتانیا سکولاریسم را به چالش می‌کشاند»

تفکر آخرالزمانی هستند و بر اندیشه ظهور مهدی (عج) تأکید تفکرات آنها با ویژگی‌هایی که در روایات ما آمده است سازگاری و مطابقت دارند. فقط عمده تفاوت ما با آنها در این است که ما معتقدیم حضرت متولد شده و غایب است، آنها می‌گویند در آینده متولد می‌شود. در این میان پیروان مکتب اهل بیت، در واقع شیعیان اثنی عشری هم منادیان تفکر آخرالزمانی هستند. امروزه در جهان، حتی در صحنه سیاست، حرف اول را معتقدین به آخرالزمان می‌زنند. صهیونیست بین‌المللی، قدرت حاکمه آمریکا، وهابیت و پیروان مکتب اهل بیت (ع)، همه و همه منادیان تفکر آخرالزمانی‌اند. در این میان آن تفکر حق، تفکر اهل بیت (ع)، با همه محدودیت‌های انسانی و ابزاری که دارد، با همه مشکلاتی که با آن مواجه است همچنان در حال توسعه است و این ظهور حق است و این حق در حال گسترش است و ان‌شاء... به ظهور امام زمان (عج) منتهی می‌شود. بنابراین آینده، آینده بسیار روشنی است. همه ابرها به زودی کنار رفته و ان‌شاء... خورشید حقیقت طلوع خواهد کرد.

### فکر می‌کنید وظیفه سه بخش نجیگان و خواص، حکومت‌های اسلامی و عموم امت اسلامی در نهضت بیداری چیست؟

نجیگان باید با شناخت دقیق از موقعیت موجود و با شناخت دقیق ارزش‌ها و مفاهیم اسلامی، این حرکت شکل گرفته را طوری مدیریت کنند که دستیابی به نتایج در کوتاه مدت و با کمترین هزینه میسر شود. یعنی آنها باید بتوانند مدیریت این جریان را به دست بگیرند. طبق تعبیر امام (ره) که در مورد حوزه‌های علمیه فرمودند: «باید نبض فرهنگ و تفکر را به دست بگیرید و آن را هدایت کنید»، امروز نیز نجیگان جهان اسلام باید این وظیفه و رسالت را بر عهده بگیرند. متأسفانه، امروز، فرهنگ و تمدن جهانی سریع‌تر از نجیگان جهان اسلام پیش می‌رود و جهش را انتخاب می‌کند. یعنی ما از قافله توجه به اسلام و بیداری اسلامی که در حال پیشروی است عقب افتاده‌ایم و روشنفکران و اندیشمندان مسلمان به جای پیشگام شدن در این سیر و هدایت آن، نهایتاً دنبال‌کننده این جریان هستند. هنوز ما تا این نقطه فاصله زیادی داریم. باید روی این مسأله سرمایه‌گذاری کنیم و این مسؤلیت مهم اندیشمندان جهان اسلام است که پرچم‌دار این حرکت باشند و این حرکتی را که عوامل مختلفی زمینه‌ساز آن شده، تسهیل، تعمیق و تسریع کنند. بزرگترین مسؤلیت حکومت‌های مسلمان با توجه به شرایط فعلی، اتحاد، همکاری و ایجاد جبهه مشترک اسلامی است، ایجاد یک صف واحد امت اسلامی به رهبری و تفکر و ارزش‌های اسلامی است. مشکل اصلی ما در حکومت‌های اسلامی این است که بعضی از آنها متأسفانه اسماً دولت اسلامی هستند! آنها عضو سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی هستند ولی واقعاً چندان پایبندی به اسلام ندارند. در حال حاضر و با توجه به شرایط فعلی، مسؤلیت اصلی توده مسلمان توجه به دسیسه‌هایی است که دشمنان هر روز شکل تازه‌ای از آنها را اجرا می‌کنند. ما نباید گرفتار توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمن بشویم. امروز تلاش دشمنان بر این است که به نفاق مذهبی و تعصبات قومی میان مسلمانان دامن بزنند. این آفت بزرگی است و متأسفانه توده مردم زود تحت تأثیر این توطئه‌ها قرار می‌گیرند. بعضی از نجیگان کم‌خرد جهان اسلام هم بدون توجه به عواقب این مسایل، وارد این جریان‌ها می‌شوند و در واقع دستمایه درگیری‌های مذهبی داخل امت اسلامی را فراهم می‌کنند. برای حل این معضل باید از یک طرف، اختلافات مذهبی کنار گذاشته شود و فضای گفتگو و تعامل سازنده بین امت اسلام و مذاهب هرچه بیشتر گسترش پیدا کند و از طرف دیگر، اختلافات قومی باید کنار گذاشته شود. قومیت‌ها باید در سایه اسلامی بودن، سامان پیدا کنند. نمی‌گویم کسی از قومیت خودش دست بردارد اما نباید این قومیت، محوری برای تحت‌الشعاع قرار دادن ارزش‌های اسلامی شود. اگر مردم به دسیسه‌ها توجه داشته باشند، اگر حکومت‌های اسلامی به سمت مشارکت، همکاری و ایجاد جبهه مشترک حرکت کنند و اگر نجیگان جهان اسلام، مدیریت تحول فرهنگی معاصر را به دست بگیرند بی‌شک شاهد ظهور جهانی با تفکر اصیل اسلامی در پرتو حکومت حق جهانی، یعنی حکومت امام زمانی (عج)، خواهیم بود. ان شاء الله...

روی چهره‌های منحرف اسلامی سرمایه‌گذاری کنند که البته نتیجه مطلوب حاصل نشد. آنها جریان‌ات انحرافی اسلام را دنبال و از آنها حمایت می‌کردند اما به محض این که پی می‌بردند جریان، جریان سالم است دست از حمایت بر می‌داشتند و تخریب آن می‌پرداختند. یکی از نمونه‌ها همین آقای طارق رمضان بود. در رسانه‌های غربی خیلی زیاد درباره ایشان ترویج و تبلیغ می‌کردند چون فکر می‌کردند که ایشان فردی است که به درد آنها می‌خورد. کم کم که به حرفهایش گوش دادند تازه فهمیدند که چه می‌گوید. دیدند نه، این خیلی به نفع آنها نیست. برای همین وقتی ایشان قرار بود برای یک کار علمی به آمریکا برود، اجازه ورود به وی ندادند و او را با جریان‌ات تروریستی مرتبط دانستند. البته این تهمت است که به هر مسلمانی که افکارش با افکار آنها سازگاری ندارد می‌زنند. حتی شکل‌گیری جریان و بحث‌های القاعده را خود آمریکایی‌ها با همکاری CIA انجام دادند. هدفشان هم این بود که یک چهره بسیار منفی از اسلام را توسط گروهی افراطی عرضه کنند و از طرفی هم بدیلی درست کنند برای مبارزه با آمریکا در کنار ایران که بگویند اگر مسلمان‌ها می‌خواهند با آمریکا مبارزه کنند غیر از ایران هم جای دیگری هست، مجموعه دیگری هم هست، آنها می‌توانند بروند دنبال بن‌لادن، دنبال القاعده، دنبال طالبان! ولی تمام این زحمات عملاً شکست خورد. تجربه آمریکا در افغانستان، یک تجربه کاملاً شکست خورده بود، اصلاً آمریکایی‌ها فکر نمی‌کردند به این موقعیتی که الان رسیدند، برسند. آنها فکر می‌کردند که به آسانی بر افغانستان سلطه پیدا می‌کنند. بعد آن را در منطقه به یک کشور کاملاً غربی تبدیل می‌کنند که به کانون توسعه تفکر آمریکایی تبدیل شود؛ ولی این طور نشد. هرگز آن طوری که آنها می‌خواستند نشد. هنوز که هنوز است در سلطه نظامی در افغانستان مشکل دارند چه برسد به بقیه مراحل! اینها فکر می‌کردند که با یک حمله نظامی کوتاه مدت، به عراق مسلط می‌شوند و مردم عراق هم به سرعت تبدیل می‌شوند به یک مجموعه غرب زده کامل و شب‌زنده‌داری‌های بغداد و کاباره‌ها و رقص‌خانه‌ها و مراکز فساد دوباره احیا می‌شود و عراق برای توسعه تفکر غربی به قلب پتند منطقه تبدیل می‌شود ولی اصلاً عراق چنین نشد. در اربعین شهید حکیم که به عنوان نماینده شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت همراه هیاتی از طرف مقام معظم رهبری به عراق رفت، در بغداد، اکثریت زنان محجبه بودند و تعداد غیر محجبه بسیار کم بود. این نشان می‌دهد که تفکر اسلامی، جریان غالب و اصلی است. انتخابات و سایر حوادث نیز نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها در همه محاسباتشان اشتباه کردند. حالا امروز هم که این جار و جنجال‌ها را درباره ایران و بحث انرژی اتمی راه انداخته‌اند، باز آخرش می‌گویند که بحث انرژی اتمی ایران، یک بحث سیاسی است و باید طی مذاکرات حل بشود. یعنی دیگر از حمله نظامی صحبتی نمی‌کنند. تقریباً آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که این کارها هیچ نفعی برایشان ندارد. من فکر می‌کنم در پشت جریانات آژانس بین‌المللی دست صهیونیست‌ها در کار است. این جریان دنبال این است که یک صف‌آرایی تازه‌ای را بین مسیحیان و مسلمانان ایجاد کند که البته منافعش متوجه صهیونیست‌ها خواهد بود. صهیونیست بین‌المللی در پی آن است که با ایجاد یک جنگ جهانی دینی، زمینه را برای سلطه جهانی یهود فراهم کند؛ یک جنگ جهانی دینی که یک طرفش مسلمانان باشند و طرف دیگرش مسیحیان؛ یک جنگ صلیبی نوین که صهیونیست‌ها قهرمان و برنده آن خواهند بود. آن وقت است که به نظر خودشان، به آرزوهای بزرگ خود که تسلط بر جهان است، خواهند رسید. اما اگر همه این حوادث را کنار هم بگذاریم نشانه‌های آشکار زمینه‌های ظهور منجی موعود دیده می‌شود. البته شما می‌دانید که تفکر منجی و به تعبیر ما امام زمان (عج)، توسط جریانات مختلف در دنیا مطرح می‌شود. یهود خود یکی از منادیان تفکر آخرالزمانی است. و آنها تصورشان این است که ظهور منجی‌شان بسیار نزدیک است. مسیحیان خاصی از جمله مسیحیان اونجلین - که رئیس جمهور آمریکا و همکارانش نیز عضو این گروه هستند - و نومحافظه‌کاران هم به دنبال ظهور منجی موعود خود هستند. آنها معتقدند که مسیح می‌آید و حتی طبق این استدلال با یهود همکاری می‌کنند که برای ظهور منجی، باید یهود بر منجی سلطه پیدا کنند. بنابراین ما باید به سلطه جهانی یهود کمک کنیم تا آن منجی ظهور پیدا کند. سلفی‌ها و وهابیان افراطی نیز از جمله منادیان



سال ۲۰۰۳ در پارلمان جهانی انیان بارسلونای اسپانیا وقتی یکی از بزرگترین شخصیت‌های فرهنگی اسپانیایی خواست آقای طارق رمضان را که یک فیلسوف مسلمان بود معرفی کند چنین گفت: «ما امروز می‌خواهیم به سخنان کسی گوش دهیم که همگی به هدایت‌ها و آموزش‌های اونیان مندیم». سخنرانی او ترجمه سخنرانی مقام معظم رهبری در مورد آزادی بود